

Original Article

Legal Jurisprudential Dimensions of Transactions with the Intention of Escaping from Debts by Looking at Citizenship Rights

Roghiyeh sadat Mousavi¹, Hadi Azimi Garekani^{2*}

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Garekani1339@yahoo.com

Received: 20 Jan 2020 Accepted: 10 May 2020

Abstract

Background and Aim: Citizenship is a modern concept. This category covers all areas of political, economic, social and cultural law. Citizenship rights are one of the most important issues in the fundamental rights of any country, regardless of class, race and gender, based on the right to life, human dignity and security. According to the Charter of Citizens' Rights, one of the most important rights of citizens is to ensure their security in various areas of life, law, and especially financial and economic relations in daily communication. In religious teachings, in order to preserve the dignity and honor of the citizens, oppression and encroachment on the property of individuals in any form is prohibited.

Materials and Methods: In this research, a library documentary study is performed using descriptive-analytical methods.

Findings: Economic security is achieved in the light of factors such as the acquisition and conclusion of transactions in a healthy environment without any tricks, performing financial obligations by citizens and the protection of their assets from any encroachment by other people. Today, one of the problems with citizens' rights is the use of clever methods to escape social and economic obligations, which in legal terms is a transaction with the intention of escaping from debts. This is true in cases where the debtor, under the pretext of evading legal restrictions, has made a transaction in order to prevent his property from being seized by creditors in order to protect his property against another person's claim.

Conclusion: What leads to the loss of legal certainty and the weakening of credit in business relationships with others is the debtor's trick to escape paying the debt and damaging the creditor due to the impossibility of fulfilling all or part of the claim. Transactions with the intention of escaping from debts in Iranian jurisprudence and law (according to Article 218 of the Civil Code) in order to establish economic security, stabilize social trust and prevent the violation of citizens' rights, especially creditors, by considering the principles of dignity and security, are ineffective or invalid.

Keywords: Deal with the Intention of Escaping from Debts; Citizenship Rights; for Trading; Economic Security

Please cite this article as: Mousavi RS, Azimi Garekani H. Legal Jurisprudential Dimensions of Transactions with the Intention of Escaping from Debts by Looking at Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 7-21.

ابعاد فقهی حقوقی معاملات به قصد فرار از دین با نگاهی به حقوق شهروندی

رقیه‌سادات موسوی^۱، هادی عظیمی گرکانی^{۲*}

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Garekani1339@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: حقوق شهروندی از مفاهیم مدرن است. این مقوله، کلیه حیطه‌های حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. حقوق شهروندی از مهم‌ترین محورهای حقوق اساسی هر کشور محسوب می‌شود که بنیان آن فارغ از طبقه، نژاد و جنسیت بر اساس حق حیات، کرامت انسانی و امنیت پایه‌گذاری گردیده است. بر اساس منشور حقوق شهروندی از مهم‌ترین حقوق شهروندان تأمین امنیت آنان در زمینه‌های مختلف جانی، حقوقی و بالاحص مالی و اقتصادی در مراودات روزمره می‌باشد. در تعالیم دینی نیز جهت حفظ منزلت و کرامت شهروندان، از ظلم و تعدی به دارایی افراد به هر صورتی که باشد، نهی شده است.

مواد و روش‌ها: تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود.

یافته‌ها: امنیت اقتصادی در پرتو عواملی چون اکتساب و انعقاد معاملات در بستری سالم و بدون هرگونه حيله و نیرنگ، انجام یافتن تعهدات مالی از سوی شهروندان و مصونیت دارایی افراد از هرگونه تجاوز، تحقق می‌یابد. امروزه یکی از معضلاتی که با حقوق شهروندان در تعارض می‌باشد، استفاده از شیوه‌های هوشمندانه به منظور فرار از تعهدات اجتماعی و اقتصادی است که در اصطلاح حقوقی، معامله به قصد فرار از دین نام دارد. این امر در مواردی صدق پیدا می‌کند که فرد بدهکار به انگیزه فرار از محدودیت‌های قانونی برای این که اموالش توسط طلبکاران توقیف نشود، معامله‌ای انجام داده تا اموال خود را در مقابل طلب فرد دیگر حفظ نماید.

نتیجه‌گیری: آنچه موجب از بین رفتن امنیت حقوقی و سستی اعتبار در روابط تجاری با دیگران می‌شود، نیرنگ بدهکار برای فرار از پرداخت دین و اضرار به طلبکار به دلیل عدم امکان استیفای تمام یا بخشی از طلب است. معاملات به قصد فرار از دین در فقه و حقوق ایران (به موجب ماده ۲۱۸ قانون مدنی) جهت برقراری امنیت اقتصادی، ثبات اعتماد اجتماعی و جلوگیری از تضییع حق شهروندان بالاحص طلبکاران با مد نظر قراردادن اصول کرامت و امنیت، غالباً غیر نافذ یا باطل می‌باشند.

واژگان کلیدی: معامله به قصد فرار از دین؛ حقوق شهروندی؛ جهت معامله؛ امنیت اقتصادی

مقدمه

حقوق شهروندی که بخش‌هایی از مجموعه حقوق عمومی و خصوصی را تشکیل می‌دهد، بیانگر حقوق فطری و اصلی انسان‌ها می‌باشد و این حقوق به گونه‌ای است که دولت‌ها (در صورت عدالت‌ورزی)، قادر به زیر پا گذاشتن آن‌ها نمی‌باشند. در شرع مقدس اسلام نیز این حقوق به صورت زیرمجموعه‌هایی همچون حق آزادی، حق عدالت اجتماعی و حق امنیت تبلور پیدا کرده است و سایر مصادیق حقوق شهروندی هر یک نوعاً به یکی از این سه حق بنیادین بازمی‌گردد و نهایتاً می‌توان گفت که تمامی مصادیق حقوق شهروندی ریشه در حقوق مدنی دارند (۱).

کسب مهارت‌های شهروندی یا به عبارت دیگر تبدیل شدن به یک شهروند مؤثر و کارآمد نیازمند آگاهی از حقوق شهروندی است. آگاهی از حقوق شهروندی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و اجتماعی و عامل بسیار اساسی برای تداوم زندگی در دنیای پرمخاطره مدرن است (۲).

همچنین آگاهی از این حقوق موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور کشوری و شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گشته و مثمر‌تر باشد (۳). مفهوم حقوق شهروندی علی‌رغم قدمتی که در تمدن‌های بشری داشته، از اصطلاحات جدیدی است که مجموعه وسیعی از حوزه‌های زندگی افراد را دربر می‌گیرد و رعایت آن بالاخص در حوزه اقتصادی به عنوان یکی از شاخصه‌های ثبات امنیت ضروری به نظر می‌رسد (۴).

امنیت استحقاق طبیعی هر فرد و نخستین شرط تداوم زندگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و همان‌گونه که نیاز به غذا، مسکن و... برای زندگی انسان ضروری است، نیاز به امنیت نیز مهم‌ترین نیاز پس از برطرف شدن نیازهای اولیه است. از سوی دیگر لازم به ذکر است که تأمین امنیت و ایجاد احساس امنیت در جامعه صرفاً از سوی دولت امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه آحاد جامعه به عنوان شهروند در عرصه اجتماعی در برآوردن این امنیت نقش به‌سزایی دارند (۵).

امنیت اقتصادی محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است که در پرتو عواملی همچون وجود روابط تجاری سالم بین

شهروندان، انعقاد معاملات در بستری اطمینان‌بخش بدون هرگونه حيله و نیرنگ و ایفای تعهدات در فضای معاملاتی سالم تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر از مشخصه‌های بارز حقوق شهروندی و تأمین‌کننده امنیت اقتصادی، فراهم‌نمودن شرایط لازم برای تعامل سالم و دوسویه متعادل با دیگران به صورتی که افراد اجتماع نه مورد سوءاستفاده قرار بگیرند و نه دیگران را مورد سوءاستفاده قرار دهند، می‌باشد (۶).

معاملات از جمله اعمال حقوقی بسیار مهم هستند که در زندگی اجتماعی دارای اهمیت و تأثیر زیادی می‌باشند، به طوری که انعقاد آن‌ها در فضای سالم در برقراری امنیت اقتصادی نقش به‌سزایی دارد (۷).

به طور کلی در ماده ۱۹۰ قانون مدنی برای تمام قراردادهای چهارگانه‌ای مشخص شده است که اگر این شرایط به طور کامل وجود داشته باشد، قرارداد از نظر حقوقی صحیح می‌باشد، اما در صورت فقدان هر یک از این شرایط، عقد نیز باطل یا غیر نافذ است.

ماده ۱۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- معین بودن موضوع مورد معامله؛ ۴- مشروعیت جهت معامله.»

قانونگذار در بند چهارم ماده مذکور، مشروعیت جهت معامله را از شرایط اساسی صحت معاملات شهروندان برشمرده است. علاوه بر این در ماده ۲۱۷ قانون مدنی نیز بیان داشته که اگر در جهت معامله تصریح شد، باید مشروع باشد، در غیر این صورت آن معامله باطل است.

لذا لزوم مشروعیت جهت معامله یکی از وسائل بسیار مهم است که می‌تواند رعایت اخلاق حسنه و احترام به قانون را در قراردادها تضمین کند و از تبانی شهروندان بر یک امر نامشروع جلوگیری کند (۸).

بر اساس ملاحظات اخلاقی و اصول حاکم بر روابط اجتماعی، شخصی که دین و بدهی بر عهده دارد، مکلف است نسبت به ایفای تعهدات خود و دادن حق و حقوق طلبکاران اقدام کند، اما در برخی مواقع افراد بنا بر انگیزه‌های مختلف و فرار از محدودیت‌های قانونی، حیثیت و کرامت شهروندان را

۱- آنچه قانون صراحتاً حق می‌شمارد و اختیار انتخاب آن را به افراد می‌دهد، مثل حق ازدواج، تابعیت و...؛ ۲- آنچه که قانون در مورد آن سکوت می‌کند و انجام و ترک آن را به عهده افراد می‌گذارد، مثل حق انعقاد قرارداد و...؛ ۳- آنچه که از دامنه قانون خارج است، یعنی حقوق طبیعی و فطری انسان که قبل از قانونگذاری وجود داشته است و قوانین موضوعه نیز باید بر اساس آن تدوین شوند، مثل حق کرامت، حق تعیین سرنوشت و... (۱۲).

معنای اصطلاحی واژه حقوق با معنای لغوی آن ارتباط داشته و در موارد متعددی به کار می‌رود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- مجموع قواعدی که بر اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند، حکومت می‌کند؛ ۲- با هدف تنظیم روابط بین انسان‌ها، حقوق امتیازاتی را برای انسان در مقابل افراد دیگر برمی‌شمارد (۱۳).

۲- تعریف شهروند

شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. این واژه برگردان فارسی کلمه سیتیزن (Citizen) بوده و چنین تعریف شده است: «شهروند کسی است که به واسطه تولد یا اعطای قانونی شهروندی به وی، عضو یک کشور و جامعه سیاسی است و دارای علقه و وفاداری به آن جامعه سیاسی می‌باشد و مستحق برخورداری از تمام حقوق مدنی و حمایت‌های قانونی است.»

کلمه دیگری که در این زمینه وجود دارد، نشنال (National) است که ما آن را در فارسی به تبعه ترجمه می‌کنیم و چنین تعریف شده است: «تبعه کسی است که وفاداری و علقه دائم نسبت به یک کشور دارد و تحت حمایت آن کشور می‌باشد.»

در فرهنگ ایرانی و لغت فارسی می‌توان گفت، لغت رعیت معادل شهروند استفاده می‌شده و لغت شهروند مورد استفاده نبوده است، مگر پس از این‌که به عنوان یک معادل برای ترجمه اصطلاح خارجی مذکور (Citizen) مورد استفاده قرار گرفته است، اما در هر صورت، هم‌اکنون شهروند یکی از

مورد تعرض قرار داده و نیت ناپاک مدیون موجب می‌شود برای پرداخت‌نکردن بدهی و عدم استیفای طلب از سوی بستانکاران، اموال خود را تحت عنوان معامله به قصد فرار از دین به دیگران منتقل کند.

بنابراین به نظر می‌رسد معامله به قصد فرار از دین به دلیل اضرار به طلبکاران از مصادیق معامله با جهت نامشروع می‌باشد. فقها جهت نامشروع را حرام و چنین معامله‌ای را بی‌اثر می‌دانند. قانونگذار نیز وفق ماده ۲۱۸ قانون مدنی، معاملات به قصد فرار از دین که به طور صوری واقع شده‌اند را به دلیل فقدان قصد انشای واقعی باطل اعلام کرده است و در خصوص معاملات به قصد فرار از دین که به صورت واقعی و غیر صوری واقع شده‌اند، بین حقوقدانان اختلاف نظر است. با توجه به این‌که هدف از این پژوهش بررسی ابعاد فقهی حقوقی معاملات به قصد فرار از دین و ارتباط این معاملات با حقوق شهروندی می‌باشد، پیش از ورود به بحث اصلی، ضروری است تا مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندی و مشروعیت جهت معامله به خوبی تبیین گردد.

مفهوم‌شناسی حقوق شهروندی و مفاهیم مرتبط

۱- تعریف حقوق

حقوق از نظر لغوی جمع حق است و حق در معانی «راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب، نصیب و بهره از چیزی، خواه حق کلی، خواه حق‌الله باشد و خواه حق‌الناس، خواه حقوق فردی باشد خواه حقوق عمومی» آمده است (۹).

در لسان العرب این‌گونه ذکر شده است: «حق نقیض باطل است و جمع آن حقوق و حقایق است و «احققت الشيء؛ آن چیز را واجب کردم» و «تحقق عنده الخبر؛ آن خبر صحیح است» (۱۰).

در کتاب العین، حق چنین تعریف شده است: «حق نقیض باطل است». «حق الشيء؛ واجب و لازم شد» و تعبیر «یحق عليك ان تفعل کذا؛ سزاوار است بر تو که چنین کنی» (۱۱).

به طور کلی از دیدگاه حقوقدانان سه چیز حق محسوب می‌گردد:

۱-۴- حقوق مدنی: مجموعه‌ای از حقوق از جمله حق آزادی، حق مصونیت از تعرض، آزادی بیان و آزادی در انتخاب مذهب از جمله حقوق مدنی شهروندی شمرده شده است (۱۲).
 ۲-۴- حقوق سیاسی: حقوق سیاسی در حقیقت قوانین دموکراسی و مردم‌سالاری در مورد انتخاب‌کردن و انتخاب شدن را دربر می‌گیرد که برای مشارکت در فرایندهای انتخاب حکومت لازم است. همچنین آزادی در اجتماعات و آزادی احزاب نیز از حقوق سیاسی شمرده می‌شوند (۱).

۳-۴- حقوق اجتماعی: حقوق اجتماعی ناظر است بر حق برخورداری از رفاه اقتصادی و اجتماعی که به عنوان مزایای مشارکت در حیات جامعه به افراد تعلق می‌گیرد. از این قبیل است: عدالت اجتماعی (برابری در فرصت‌ها)، حق برخورداری از یک استاندارد معین آموزشی (تعلیم و تربیت)، حق کارکردن، استحقاق بهره‌مندی از خدمات بهداشتی، مزایای رفاهی و سایر خدمات اجتماعی (۱).

۵- مفهوم حق امنیت

امنیت خواست عمومی و یکی از مقولات جوهری تشکیل هر نظام سیاسی و از اهداف اصلی ایجاد نظام‌های حقوقی به شمار می‌رود. امنیت زیربنای حیات فرد و جامعه و پیش شرط هرگونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می‌آید. انسان‌ها در روابط خود با دیگران ممکن است در معرض خطر قرار گیرند و در چنین وضعیتی که وجود خطر یا ترس را درک می‌کنند، تأسیسی حقوقی و اجتماعی به نام امنیت را درک خواهند کرد (۱۷).

واژه امنیت به صورت وسیع در مفهومی به کار گرفته شده که به صلح، آزادی، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (۱۸).

حقوق شهروندی حق تأمین امنیت را از بدیهی‌ترین حقوق طبیعی و بنیادین شهروندان می‌داند که پایه و اساس دیگر حقوق و آزادی‌های اساسی ایشان می‌باشد. امنیت عبارت است از اطمینان خاطر افراد نسبت به جان، مال، حیثیت، مسکن و کلیه حقوق مادی و معنوی خود که این عناصر توسط دیگران اعم از افراد و دولت مورد تجاوز قرار نگیرد و در حوزه‌های

اصطلاحات رایج در موارد مختلف در کشور ما می‌باشد و به همان معنای مذکور می‌تواند در نظر گرفته شود (۱۴).
 برای شهروندی تعریف‌های گوناگون ارائه شده است. شهروند در اصطلاح حقوقی، یعنی ساکنان یک کشور که از حقوق و مزایای مدنی متساوی بهره‌مند می‌شوند. در تعریف دیگری برای شهروند ذکر شده است: «شهروند فردی است که تحت نظارت و حمایت یک دولت قرار دارد و نسبت به دولت و جامعه دارای حقوق مدنی و تکالیفی در این خصوص می‌باشد» (۱۲).

مقوله مسؤلیت شهروندی نیز در مقابل دولت و دیگر شهروندان برای هر شهروند وجود دارد. بر این اساس شهروندان در مواردی همچون دفاع از کشور، پرداخت مالیات و رعایت قانون موظف به انجام مسؤلیت خویش می‌باشند (۱۵).

۳- تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی قوانین و مقرراتی می‌باشد که به طور یکسان دارای ابعاد مختلفی در زمینه‌های حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضائی برای اتباع یک کشور در نظر گرفته می‌شود. همچنین این افراد در قبال این حقوق دارای مسؤلیت‌هایی می‌باشند که باید در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) ادای دین نمایند (۱).

حقوق شهروندی، در حقیقت حق طبیعی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر انسان به واسطه کرامت انسانی دارای مجموعه‌ای از حقوق شخصی مانند حق حیات، حق امنیت، حق آزادی و... می‌باشد. بنابراین این حقوق جهان‌شمول بوده و هدیه الهی به مقام انسانیت می‌باشد. تفاوت در جنس و زبان و رنگ و نژاد تفاوتی در حقوق شهروندی ایجاد نمی‌کند (۱). شهروندی به عنوان یک ویژگی بارز انسانی از نیاز انسان به همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر افراد انسانی، آگاهی نسبت به حقوق و وظایف خود و وجود یک اخلاق مشارکت‌جویانه و آگاهانه در فعل و انفعالات اجتماعی نشأت می‌گیرد (۱۶).

۴- مصادیق حقوق شهروندی

حقوق شهروندی را می‌توان با توجه به ماهیت و نوع امتیازاتی که برای شهروندان لحاظ می‌گردد، به سه گونه حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اجتماعی تقسیم‌بندی نمود.

امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت اقتصادی و... گسترده می‌باشد (۱۹).

امنیت اقتصادی چهره جدید و مهم امنیت در دنیای معاصر است که در همه سطوح فردی، اجتماعی و ملی توجه نظریه‌پردازان حوزه امنیت را به خود جلب کرده است (۲۰). امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلاجراماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد (۲۱).

امنیت اقتصادی وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن وجود داشته و شهروندان و نهادهای اقتصادی بتوانند در محیطی سالم و بدون هرگونه فریب و نیرنگ به رقابت بپردازند (۲۱).

۶- مفهوم کرامت انسانی

کرامت انسانی، مفهومی ژرف و بسیار گسترده دارد و هم در اسناد حقوق بشر و هم در مبانی دینی و مذهبی ما از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. واژه کرامت (Dignity) از واژه لاتین (Dignitas) گرفته شده و به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام می‌باشد. کرامت ضد دناوت و پستی است، این واژه به عنوان یک صفت در اخلاق پسندیده به کار می‌رود، غالباً به ذات شیء تعلق می‌گیرد و آن هنگامی است که شیء بالذات و در کنه وجود خود، با ارزش باشد. پس مراد از کرامت انسانی آن است که «انسان از آن جهت که انسان است، دارای ارزش وجودی می‌باشد. بنابراین انسان‌ها در تبار مشترک و برابرند و تفاوتی بین آنان نخواهد بود، اگرچه می‌توانند با اعمال اختیاری خود آن را از دست داده یا بر آن بیفزایند و شخصیت وجودی خود را ارتقا بخشند» (۲۲).

بر اساس تعالیم دینی کرامت گوهری است که خداوند متعال بنا بر آیه ۷۰ سوره اسراء «و لقد کرمنا بنی آدم...؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم...» به برترین مخلوق خود عطا

کرده است و انسان بدون این موهبت الهی فاقد ارزش وجودی است. کرامت امتیازی است که به انسان به واسطه انسان‌بودنش از همان بدو تولد و بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد و... اختصاص می‌یابد. حق کرامت از مصادیق حقوق شخصیت محسوب می‌گردد که از ویژگی‌های مهم آن این است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک نمی‌باشد و نمی‌توان آن را اسقاط، توقیف، انتقال و یا مورد تعدی و تجاوز قرار داد، حتی پس از مرگ نیز به ورثه منتقل نمی‌گردد و مشمول مرور زمان نیز واقع نمی‌شود (۲۲).

کرامت انسانی از آن جهت حائز اهمیت است که خود پایه و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود. نه صرفاً به عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال، بلکه محور و مبنای حقوق بشر تلقی می‌شود و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه مستلزم رعایت آن است. در صورت عدم توجه به این اصل و التزام عملی به آثار آن، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح و امنیت در روابط داخلی و بین‌المللی معنا و مفهوم خود را از دست خواهد داد (۲۲).

بنا بر این اصل، لازمه حفظ کرامت انسانی، عدم تعدی به حقوق دیگران و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی شهروندان در تمامی ابعاد اجتماعی از جمله مراودات و معاملات روزمره می‌باشد، لذا رفتار دولتمردان و هر نوع تعاملی با شهروندان باید با حفظ اصل کرامت انسان همراه باشد و الا از دیدگاه اسلامی مردود و غیر قابل قبول می‌باشد (۱۴).

مشروعیت جهت معامله

معامله به قصد فرار از دین در قانون مدنی در مبحث جهت معامله آمده است. جهت از ریشه «و ج ه» گرفته شده و در لغت به معنای آنچه که متحرک آن را قصد می‌کند، مقصد، کناره، سمت و طرف آمده است (۲۳).

حقوقدانان تعاریف مختلفی از جهت ارائه نموده‌اند که در ذیل ذکر می‌شود:

– جهت امری درونی و نفسانی است که شخص را به انجام معامله متمایل می‌کند (۲۴).

انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود (۲۷) و در اصطلاح حقوقی به معنی عمل حقوقی شخصی در برابر دیگری است (۲۸). از نظر دکتر لنگرودی معامله به قصد فرار از دین، به هر عمل حقوقی متقلبانه که منظور عامل آن فرار از پرداخت دین باشد، تعبیر شده است (۲۶).

در تعریف فوق باید توجه داشت که معامله به قصد فرار از دین همواره به این شکل صورت خارجی به خود نمی‌گیرد که مثلاً ابتدا دینی بر ذمه شخصی ثابت شده و موعد بازپرداخت آن فرا رسیده باشد، سپس مدیون به قصد معسر جلوه‌دادن خویش اموال و دارایی خود را به ثالثی انتقال داده، در نتیجه از پرداخت دین استنکاف ورزد، بلکه در عمل ممکن است مدیون پیش از تحقق طلب یا بهتر بگوییم موعد بازپرداخت آن، برای فرار از دین آینده اموال خود را انتقال دهد که بی‌شک در صحت چنین معامله‌ای باید تردید کرد (۲۹).

برخی دیگر از حقوقدانان در تعریف دیگری از معامله به قصد فرار از دین عنوان نموده‌اند: «معامله‌ای است که به اختیار مدیون انجام می‌شود، اما قصد و هدف نهایی وی فرار از دین از طریق این معامله می‌باشد» (۳۰).

مبانی فقهی اعتبار معاملات به قصد فرار از دین

فرار از دین در مباحث فقه تحت عنوان جهت نامشروع در معاملات قرار می‌گیرد. فقها بر این اعتقاد هستند که جهت نامشروع حرام است و چنین معامله‌ای بی‌اثر می‌باشد، اما در این مورد به صراحت از آن بحث نکرده‌اند (۲۵).

در خصوص اعتبار معاملات به قصد فرار از دین اقوال مختلفی از سوی فقها مطرح گردیده است. مرحوم ملامحمد نراقی پسر مرحوم حاج‌ملاحمد نراقی در کتاب معروف مشارق الاحکام درباره معامله به قصد فرار از دین به طور مفصل بحث کرده و آن را از قبیل معاملات اضرائی و تحت همین عنوان آورده و از آنجا که بحث او درباره ضرر دین است، به طور طبیعی نتیجه آن غیر نافذ بودن این قبیل معاملات است و از آنجا که این معاملات مبتنی بر قصد اضرائی است، وی این معاملات را حرام می‌داند (۳۱).

- جهت معامله عبارت از داعی است که قبل از معامله در هر یک از متعاملین پیدا شده و باعث انجام معامله می‌گردد، مثلاً کسی که مقروض است، ماشین خود را می‌فروشد تا قرض خود را ادا نماید. بنابراین جهت فروش ماشین تأدیه دین است (۸).

- هدفی غیر مستقیم از تشکیل معامله در ذهن معامله‌کننده می‌باشد، مانند کسی که خودرو خود را می‌فروشد تا از درآمد حاصله خانه‌ای خریداری کند (۲۵).

این هدف به حسب اشخاص و اوضاع مختلف نسبت به یک شخص نیز تفاوت دارد. در حقوق مدنی به وسیله این هدف می‌توان مشروع یا نامشروع بودن یک عمل حقوقی را معین کرد (۲۶).

در ماده ۲۱۷ قانون مدنی تأکید شده است که اگر تصریح به جهت معامله شده باشد، باید مشروع باشد و در غیر این صورت باطل است، البته لازم به ذکر است که در خصوص معامله به قصد فرار از دین در صورتی که حتی اگر انگیزه فرار از دین هم بیان نشده باشد، می‌تواند سبب عدم نفوذ معامله گردد (۲۵).

مقصود از مشروعیت جهت معامله آن است که از طرف شرع مقدس نسبت به آن معامله و جهت آن منعی نیامده باشد، زیرا چیزی که از طرف شرع ممنوع باشد، کسب آن و تصرف در سود حاصله آن و عوضی که به دست می‌آید نیز حرام خواهد بود. همچنین جهت معامله نباید با قانون و نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالف باشد، زیرا هر چیزی که مخل به نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، از طرف شرع نیز ممنوع خواهد بود (۸).

بنابراین معامله به قصد فرار از دین به دلیل عدم پرداخت دین توسط شخص مدیون و اضرائی به طلبکاران یکی از مصادیق معامله با جهت نامشروع است.

مفهوم معامله به قصد فرار از دین

معامله در لغت واژه‌ای عربی است و از باب مفاعله و از ریشه مجرد «عَمَلَ» به معنی عمل کردن متقابل می‌باشد، یعنی به مجموع اعمال و رفتاری که دو یا چند شخص در برابر همدیگر

روایاتی نیز در این باب مورد استناد قرار گرفته، از جمله مکاتبه احمد بن حمزه به ابی‌الحسن (ع) که «مدین اوقف ثم مات صاحبه و علیه دین لا یفی ماله فکتب (ع): بیاع وقفه فی الدین.»

ابن حمزه به ابی‌الحسن امام رضا (ع) نوشت که شخص مدیونی مال خود را وقف کرده و سپس فوت نموده و اموال او کافی برای ادای دینش نیست. امام (ع) در پاسخ او نوشت: آنچه وقف کرده، فروخته می‌شود و از آن محل، دیونش پرداخته می‌شود (۳۲).

آیت‌ا... سیدمحمد موسوی بجنوردی نیز معتقد به منع معامله به قصد فرار از دین است و ظاهراً نظر به عدم نفوذ این معامله دارد. ایشان این مسأله را در حیظه قاعده لاضرر می‌داند و اظهار می‌دارد که با توجه به این‌که فرار از دین باعث وارد کردن ضرر به طلبکاران می‌شود. بنابراین سهل‌انگاری در این امر ارتکاب به گناه بزرگی محسوب می‌شود (۳۳).

شهید اول در لمعه می‌فرماید: «... و یمنع المفلس من التصرف فی اعیان امواله و تباع و تقسم مع الغرماء...؛ کسی که مفلس شده است، حق تصرف در عین اموالش را ندارد، بلکه اموال او فروخته شده و میان طلبکارانش تقسیم می‌شود.» اگر مفلس (در حقوق امروز ورشکسته) را کسی بدانیم که در پرداخت دیونش وقفه ایجاد شده و یا از پرداخت آن استنکاف می‌ورزد، نتیجه یکسان می‌شود، چراکه در هر دو صورت (ایجاد وقفه بدون تقلب یا خودداری از پرداخت با سوءنیت)، دائن از گرفتن طلب خویش عاجز است. بنابراین همانطور که از گفتار شهید اول برمی‌آید، مدیون حق تصرف در عین اموال خویش و به طریق اولی حق انتقال اموال و دارایی خود را ندارد (۳۴).

به هر تقدیر، عده‌ای از فقها این نوع از معاملات را صحیح نمی‌دانند و مهم‌ترین استدلالی که این دسته از فقها مطرح کرده‌اند، به دلیل قاعده لاضرر و نامشروع بودن جهت این‌گونه معاملات است (۳۵).

زمانی که از سیدمحمدکاظم یزدی در مورد صلح به قصد فرار از دین سؤال شده بود، بیان داشتند که این صلح را صحیح نمی‌دانند (۳۵)، ایشان چنین مقرر می‌دارند: «ظاهر عدم صحت است، اما لانصراف ادله الصلح و اما لقاعده الضرر و

اما للاخبار الداله علی النهی عن بیع العنب لیعمل خمرا و نحوها...؛ ایشان صلح به قصد فرار از دین را شبیه خریدن انگور به قصد ساختن شراب دانسته و آن را باطل می‌شمارد» (۳۶).

بر اساس نظر فقهای چون سیدابوالحسن موسوی اصفهانی، امام خمینی و آیت‌ا... گلپایگانی در صورتی که در آینده امیدوی به تحصیل مال مدیون نباشد، صحت هبه مدیون که به قصد فرار از دین صورت بگیرد، محل اشکال می‌باشد (۳۷-۳۹).

بنابراین با توجه به اقوال مطرح‌شده از سوی فقها، عدم نفوذ معامله به قصد فرار از دین در فقه اسلامی ناشناخته نیست و برخی از فقهای اسلامی، اعم از امامیه و سنی به آن اشاره کرده‌اند و عدم نفوذ یا بطلان این‌گونه معامله را لاقول در تصرفات تبرعی پذیرفته‌اند و در این خصوص به قاعده لاضرر و نامشروع بودن قصد فرار از دین و اصل وجوب وفای به دین استناد کرده‌اند که به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل همان قاعده لاضرر است (۷).

مبانی قانونی معاملات به قصد فرار از دین

معامله به قصد فرار از دین تحت عنوان مشروعیت جهت معامله و در ماده ۲۱۸ قانون مدنی ایران مطرح گردیده است. لازم به ذکر است که در طول تاریخ قانون مدنی، قواعد معاملات مزبور دستخوش تغییراتی گشته است. به این مفهوم که قانونگذار در ماده ۲۱۸ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، مقرر کرده بود: «هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده، آن معامله نافذ نیست.»

به موجب ماده فوق، قانونگذار برای حفظ حقوق طلبکاران ایجاد اثر قانونی اعمال حقوقی مزبور را به تنفیذ آنان منوط نموده بود. بر این اساس، حکم هر عمل حقوقی (اعم از عقد و ایقاع) که به قصد فرار از دین واقع می‌شد، غیر نافذ بود، البته باید توجه داشت که فقط اعمال ارادی بدهکار مشمول مقررات راجع به معامله به قصد فرار از دین می‌شد و مسؤولیت‌های قهری وی در محدوده دعوی و عنوان معامله به قصد فرار از دین قرار نمی‌گرفت (۴۰).

است؛ در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال گیرنده به عنوان جرمه اخذ و محکوم به از محل آن استیفا خواهد شد»، لذا بر طبق ماده مذکور جهت تحقق جرم فرار از دین، وجود شرایطی از جمله انتقال مال به دیگری به هر شکل خواه به صورت واقعی یا صوری، انگیزه فرار از دین و کافی نبودن باقی مانده اموال جهت پرداخت دین، الزامی است.

شرایط تحقق معاملات به قصد فرار از دین

برای محقق شدن معامله به قصد فرار از دین وجود شرایطی لازم است. این شرایط در ذیل مورد بررسی قرار می گیرند.

۱- انجام معامله

شکی نیست که فقط اعمال حقوقی، مشمول مقررات راجع به معامله به قصد فرار از دین است و تعهدات غیر قراردادی (ناشی از جرم و شبه جرم) از موضوع بحث خارج است. در میان اعمال حقوقی نیز قراردادهای غیر مالی (شخصی) مانند نکاح مشمول این قواعد نیست، اگرچه به قصد فرار از دین انجام شده باشد، مثلاً اگر مردی با ازدواج کردن و مکلف کردن خود به پرداخت نفقه، بستانکار را از طلب خویش محروم کند، نکاح را نمی توان بدین جهت ابطال کرد، ولی به نظر می رسد که قرارداد راجع به مهر در صورتی که موجب خارج ساختن مالی از دارایی شوهر به قصد فرار از دین بوده و زوجه نیز با علم به این موضوع اقدام کرده باشد، قابل ابطال است و در این صورت هرگاه نزدیکی واقع شده باشد، زن مستحق مهرالمثل خواهد بود. معامله اعم از معوض و غیر معوض است و در حقوق ما برخلاف حقوق فرانسه تفاوتی در این باب بین معاملات معوض و غیر معوض وجود ندارد (۷).

۲- طلب باید مسلم باشد و بتوان آن را مطالبه کرد

طلبی که هنوز موعد پرداخت آن فرا نرسیده است یا طلبی که مشمول مرور زمان شده باشد و نتوان آن را مطالبه کرد، مستند دعوا قرار نمی گیرد (۲۹).

۳- تقدم طلب بر معامله

یکی دیگر از شرایط تحقق معامله به قصد فرار از دین وجود دین پیش از تشکیل معامله مزبور است، زیرا صرف نظر

با وجود آنکه ماده مزبور از حقوق بستانکاران دفاع کرده و با نیت ناپاک مدیون در جلوگیری از بستانکاران به طلب خویش مبارزه می کرد، اما با تصور خلاف شرع بودن در دی ماه ۱۳۶۱ طی یک اصلاحیه از قانون مدنی حذف گردید، البته این حذف شدن با انتقاد فقها و حقوقدانان همراه شد و در نهایت در اصلاحات ۱۳۷۰، مجلس شورای اسلامی ماده ۲۱۸ اصلاحی جدید را با عباراتی متفاوت تصویب کرد (۷).

در ماده ۲۱۸ اصلاحی مقرر شده است که «اگر معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است.» این ماده بیان می دارد اگر شخصی معامله ای را با قصد فرار از دین به طور صوری انجام دهد، آن معامله باطل می باشد. معامله صوری نیز معامله ای است که در آن قصدی بر انجام معامله وجود ندارد، لذا این معامله به دلیل فقدان اراده واقعی در فقه و حقوق به موجب قاعده «العقود تابعه للقصود» باطل است (۲۶).

لازم به ذکر است متعهدی که قصد پنهان کردن دارایی خود و جلوگیری از دستیابی طلبکاران به حق خویش را دارد، از دو راه این کار را انجام می دهد:

۱- طی معامله صوری اموال را به دیگران انتقال داده، اما مالکیت خود را حفظ می نماید (۳۰)؛ ۲- اموال خود را با هدف فرار از دین، اما به طور واقعی به دیگران انتقال می دهد (۳۰).

بنابراین با توجه به موارد مطروحه به نظر می رسد که بر طبق ماده ۲۱۸ اصلاحی برای بطلان این گونه معاملات، وصف فرار از دین و صوری بودن باید با هم جمع باشند تا بتوان معامله را باطل دانست (۲۵).

همچنین قانونگذار علاوه بر ضمانت اجرای مدنی، ضمانت اجرای کیفری نیز برای این گونه معاملات در نظر گرفته است. در این خصوص ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ مقرر می دارد: «انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقی مانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه ۶ یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می شود و در صورتی که منتقل الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد، در حکم شریک جرم

ضرری است، ولی به تنهایی نیز برای طلبکار، «نفع در اقامه دعوا» ایجاد نمی‌کند. ضرری که از معامله به طلبکار می‌رسد، باید ناشی از کاستن اموال موجود بدهکار باشد (۲۹).

۶- لزوم داشتن قصد فرار از دین

هر معامله‌ای که بدهکار انجام می‌دهد، حقی برای طلبکار در جهت اقامه دعوی علیه بدهکار ایجاد نمی‌کند، بلکه لازم است قصد فرار از دین در معاملاتی که بدهکار می‌نماید مشخص باشد (۲۹).

۷- لزوم آگاهی طرف دیگر معامله از قصد فرار از دین

جهت تحقق معامله به قصد فرار از دین لازم است که طرف قرارداد از قصد مدیون در فرار از تأدیه دین آگاه باشد، البته این مقوله شامل عطایا مانند (هبه و وقف) نمی‌شود، در این مورد دانستن یا ندانستن انتقال‌گیرنده اثری ندارد و در هر حال باید قرارداد را نسبت به طلبکار غیر نافذ دانست» (۳۰).

باید افزود که در ماده ۴ اصلاح‌شده قانون محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ نیز آگاهی از قصد پلید مالک شرط ضمانت اجرای پیش‌بینی شده بود.

بنابراین نظر به اهمیت این مطلب بنا بر ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ در صورتی که انتقال‌گیرنده با علم به موضوع اقدام کرده باشد، شریک جرم محسوب می‌شود.

در مجموع از شرایط تحقق معامله به قصد فرار از دین می‌توان چنین نتیجه گرفت که نخست مدیون باید آگاهانه به انجام معامله‌ای به هدف فرار از دین اقدام نماید و در وهله دوم طرف دوم معامله نیز از قصد فرار از دین مدیون آگاه باشد. همچنین باید دقت داشت که اگر معامله قبل از واقع شدن طلب انجام شود، فرار از دین به حساب نمی‌آید. در نهایت طلبکار باید در طرح دعوی ذی‌نفع باشد.

رابطه معاملات به قصد فرار از دین با حقوق شهروندی

رعایت شدن حقوق شهروندی هر فرد در حقیقت هم امتیاز و هم مسؤولیت برای فرد مورد نظر در کشور مورد نظر می‌باشد. رعایت این حقوق نشان‌دهنده ثبات و امنیت در کشور است. در اسلام نیز بر اساس اهداف و مبانی قرآنی،

از خلاف قاعده‌بودن حکم، فرار از دین هنگامی عرفاً صدق می‌کند که شخص بخواهد به وسیله‌ای جلوی وصول دین موجود خود را بگیرد. افزون بر این مبنای حکم عدم نفوذ معامله به قصد فرار از دین، نادیده‌گرفتن حق موجود طلبکار است که در صورت وجود انگیزه فرار از دین، نسبت به مال بدهکار انعکاس پیدا می‌کند. در نتیجه هرگاه دینی وجود نداشته باشد، عدم نفوذ معامله قابل توجیه نیست (۲۸).

البته این شرط در قوانین نیامده است، اما قابل استنباط از دو طریق می‌باشد:

۱- لازم است ابتدا دینی وجود داشته باشد تا معامله مدیون به قصد فرار شکل گیرد؛ ۲- معامله بدهکار پیش از وقوع بدهی ضرری را شامل حال طلبکار نمی‌کند که بتواند در دادگاه به آن اعتراض کند (۳۰).

۴- نفع طلبکار در اقامه دعوی

طلبکاری می‌تواند اعلام عدم نفوذ معامله بدهکار را از دادگاه بخواهد که صدور چنین حکمی برای وصول طلب او مفید باشد. شرط عمومی برای نفع هر طلبکار این است که هنگام طرح دعوی بدهکار توان پرداخت طلب را از سایر دارایی‌های خود نداشته باشد، زیرا اگر او بتواند از محل فروش سایر اموال خود طلب مدعی را بپردازد، نفعی برای دادرسی باقی نمی‌ماند. بنابراین در موردی که وسیله وصول طلب در دارایی مدیون وجود دارد، دادرسی بیهوده به نظر می‌رسد و برای مدعی نفعی باقی نمی‌ماند (۳۰).

۵- ضرری بودن معامله

شرط ضرری بودن معامله نزدیک به شرط لزوم نفع‌داشتن می‌باشد، چراکه در صورتی طلبکار در طرح دعوا نفع پیدا می‌کند که از وقوع معامله زیان ببیند، اما این دو تکرار یک مفهوم نیستند. ممکن است معامله در زمان وقوع ضرری باشد، ولی به دلیل رفع تنگدستی بدهکار از منابع دیگر، طلبکار در زمان اقامه دعوا نفعی نداشته باشد، اما لازم نیست که معامله بدهکار باعث اعسار کامل او شود، بلکه کافی است که مقدمه‌ای برای آن باشد. اگر بدهکار سه دارایی خویش را به صورت سه معامله جداگانه به دیگران انتقال دهد و در مجموع این معامله‌ها وی را تهیدست کند، هر کدام از این سه معامله

حقوق شهروندی انسان که با عنوان خلیفه خدا در روی زمین یاد شده، به رسمیت شناخته می‌شود (۱۲).

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین مکتب الهی، انسان را در زمره سایر مخلوقات قرار نمی‌دهد و اهمیت ویژه‌ای برای انسان قائل می‌باشد. این میزان اهمیت در آیه ۳۰ سوره بقره با خطاب کردن انسان با عنوان خلیفه خدا روی زمین نمایش داده شده است. «و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه؛ به یاد آر هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد.»

بنابراین با توجه به جایگاه ویژه انسان در تعالیم دینی، حق کرامت و احترام انسانی ارزشمندترین حق از حقوق شهروندی پس از حق حیات است. حقی که بموجب آن همه شهروندان به واسطه وجود انسانی آن‌ها صرف نظر از ویژگی‌های نژادی، رنگ، دین، مذهب، جنسیت و... مستحق بهره‌مندی از کرامت و احترام انسانی هستند (۴۱).

از سوی دیگر حق تأمین امنیت شهروندان از مهم‌ترین حقوقی است که در آیات متعدد قرآن کریم نیز از جمله آیات شریفه ۲۹ سوره نسا، ۳۳ سوره اسرا و آیه ۸ سوره مؤمنون و در زمینه‌های امنیت جان، مال و دیگر حقوق شهروندان مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفته است، امنیتی که رشد و توسعه انسان‌ها به آن بستگی دارد (۴۱). مفهوم امنیت در مورد افراد، یعنی شک‌نداشتن به حقوق و آزادی‌های خویش و اطمینان از این‌که هیچ عاملی این آزادی را محدود نمی‌نماید. موضوع امنیت از لحاظ سطوح به امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... تقسیم می‌شود. امنیت در سایه عواملی همچون عدالت، رعایت حرمت حقوق انسان‌ها و برخورد با مفسدان و برقراری نظم شکل می‌گیرد (۴۲). از مهم‌ترین موارد امنیت در حقوق شهروندی، امنیت اقتصادی در معاملات می‌باشد که لازمه آن وفای به عهد و ضررنزدن به دیگران، پایبند بودن به قراردادهای و انجام تعهدات بدون هرگونه نیرنگ و فریب می‌باشد (۱۳).

از آنجایی که در شرع اسلام بنا بر روایات، اهمیت احترام مال مسلمان هم ردیف احترام جان ایشان تعبیر شده است «حرمة مال المسلم کحرمة دمه» (۴۳). بنابراین بر طبق منشور

حقوق شهروندی جز در موارد خاص قانونی هیچ فرد، گروه یا نهاد دولتی و غیر دولتی حق تعرض به جان و اموال شهروندان را ندارد و هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، حقوقی، قضایی و بالاخص مالی و نظائر آن برخوردار باشد، البته زندگی و اموال شهروندان تا آنجا دارای احترام است که آنان نیز به مسؤولیت‌های خود آگاه بوده و اصول شرافت انسانی را زیر پا نگذارند، حقوق دیگران را به رسمیت شناخته و اموال آنان را مورد تصرف و تعدی قرار ندهند (۱).

همچنین در تعالیم دینی قرض دادن عملی پسندیده، اما باز پرداخت قرض واجب بیان شده است. در این مورد بر اساس روایات اسلامی کسی که از پرداخت قرض خودداری نماید، گناهکار شناخته می‌شود (۳۵). فقها وفای به دین را واجب دانسته و امتناع و سهل‌انگاری در بازپرداخت دین را دزدی دانسته‌اند. در این زمینه روایات متعدد اسلامی وجود دارد که از آن میان می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرد که ایشان فرمودند: «من استدان دینا فلم ینو قضائه کان بمنزله السارق» (۳۲).

در روایتی دیگر امام صادق (ع) شرط زیارت خانه خدا را بدهکار نبودن می‌داند و به شخصی که هم دینی را بر عهده داشته و هم قصد زیارت خانه خدا را، فرمود: «برگرد و دین خود را ادا کن، آنگاه خداوند را در حالی که بدهکار نیستی، ملاقات کن، زیرا مؤمن خائن نیست» (۳۲).

بر این اساس، هر معامله‌ای که به نحو صحت واقع شود، منشأ تعهدی برای یک طرف معامله می‌گردد و برای طرف مقابل حقی ایجاد می‌کند و متعهد به حکم آیه ۱ سوره مائده: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» و حدیث مشهور نبوی «المؤمنون عند شروطهم» (۳۲) ملزم به ایفای تعهد بوده و الزام متعهد به انجام تعهد برای تأمین حق طرف مقابل می‌باشد (۳۴). بنابراین عهدشکنی نکردن و پرداخت دین برای مدیون یک تکلیف اخلاقی شمرده می‌شود. به همین جهت تلاش در جهت فرار از دین نامشروع می‌باشد. جهتی که نه تنها به طلبکاران بی‌وثیقه زیان می‌رساند، بلکه به اعتماد متعارف عمومی و گردش سالم پول ضرر می‌زند و نوعی طغیان در برابر ندهای اخلاقی و مذهبی است (۳۰). همچنین با توجه به اصل

رعایت و به کارگیری حقوق شهروندی جهت ایجاد محیط امن اقتصادی، امنیت روابط حقوقی و جلوگیری از اضرار به حقوق شهروندان بالاخص طلبکاران با مد نظر قرارداد اصول کرامت و امنیت الزامی بوده و ضامن سلامت در حوزه فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حق‌ها و تکالیف مدنی - اقتصادی و از مهم‌ترین موضوعات حقوق اساسی هر کشور محسوب می‌شود که بنیان آن فارغ از طبقه، نژاد و جنسیت بر اساس حق کرامت انسانی و امنیت پایه‌گذاری گردیده است. کرامت انسانی پایه و اساس بسیاری از حقوق و امتیازات و تکالیف انسانی شناخته می‌شود و حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است که تجاوز به آن به هیچ بهانه‌ای شایسته نبوده و به کارگیری آن در هر جامعه‌ای ضامن پیشرفت و توسعه پایدار است. مفاهیمی همچون عدالت، آزادی، برابری و امنیت در صورت بی‌توجهی به اصل کرامت انسانی، ارزش خود را از دست خواهند داد. در این میان، امنیت استحقاق طبیعی هر فرد و نخستین شرط تداوم زندگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. حق امنیت از حقوق اساسی شهروندان و زیربنای محکمی است که توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر روی آن بنا خواهد شد و هر فردی در پناه قانون به میزانی مصونیت دارد که اقدام او در جان، مال، حیثیت و حقوق دیگران خدشه و لطمه‌ای وارد نکند. امنیت اقتصادی محوری‌ترین موضوع در حقوق شهروندی است که در پرتو عواملی همچون ایجاد شرایط لازم برای تعامل سالم و دوسویه متعادل با دیگران به صورتی که افراد اجتماع نه مورد سوءاستفاده قرار بگیرند و نه دیگران را مورد سوءاستفاده قرار دهند، تحقق می‌یابد.

قانونگذار در حقوق کنونی مشروعیت جهت معامله را از عوامل برقراری امنیت اقتصادی و از شرایط اساسی صحت معاملات دانسته است و از جمله باید در این رابطه کرامت شهروندان مورد احترام قرار گیرد، چه این که لزوم مشروعیت جهت معامله یکی از وسائل مهمی است که می‌تواند رعایت اخلاق حسنه و احترام به قانون را در قراردادهای تضمین کند و

۴۰ قانون اساسی که اعلام می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»، جای بحث باقی نمی‌ماند که نیرنگ‌بازی و حيله‌گری و انگیزه اضرار به غیر قلمرو حق را محدود می‌کند و ماهیت حقوقی اقدام بدهکار با سوءاستفاده از حق انطباق بیشتری دارد (۳۰). بنابراین بدهکار با فرار از پرداخت دین با انجام معامله، در حقیقت تصرف در مال و دارایی طلبکار را انجام داده است. عدم پرداخت دین به طلبکار، یکی از مصادیق اکل مال به باطل و برهم‌زننده امنیت اقتصادی است که از لحاظ اخلاقی نیز مورد نهی واقع شده است.

به همین جهت بر طبق مواد ۵۶ و ۵۸ منشور حقوق شهروندی، طلبکاران به عنوان شهروند حق دارند به منظور دادخواهی آزادانه به مراجع صالح قضایی مراجعه نمایند و ابطال معامله‌ای را که به قصد فرار از دین انجام شده را از دادگاه بخواهند، زیرا قانونگذار جهت جلوگیری از تضییع حقوق طلبکاران، حفظ کرامت ایشان و برقراری امنیت مالی، معاملات به قصد فرار از دین که به صورت صوری واقع شده را باطل اعلام نموده است.

بنابراین حکم به نفوذ معاملاتی که مدیون به قصد فرار از دین و اضرار به طلبکاران انجام می‌دهد، محل دوام نظم جامعه است و با مصلحت اجتماعی سازگار نیست. این امر، بدهکاران را تشویق می‌کند که از ادای دین خود با سوءنیت بگریزند و برای این که طلبکاران دسترسی به اموال آنان نداشته باشند، اموال خود را به اشخاص دیگر منتقل کنند (۷).

در مجموع می‌توان گفت بر طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، جهت معامله باید مشروع باشد و لازم است که احترام و کرامت متعاملین و ذی‌نفعان مد نظر قرار گرفته و روابط تجاری شهروندان در محیطی سالم و از طریق پایبندسازی به تعهدات صورت گیرد. بالارفتن آگاهی در زمینه حقوق شهروندی و شفاف‌سازی بالاخص در خصوص معاملات به قصد فرار از دین، که جرم بوده و در قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده، نه تنها موجب دستیابی بهتر افراد به حقوق خود می‌گردد، بلکه سبب می‌شود تا به حقوق دیگران نیز احترام گذاشته شود و حق آنان نیز ادا گردد (۱۶). از سوی دیگر

از تبانی شهروندان بر یک امر نامشروع جلوگیری کند. از مصادیق معاملات با جهت نامشروع، می‌توان به معاملات به قصد فرار از دین اشاره کرد که فرد بدهکار به سبب انگیزه‌های مختلف حیثیت و کرامت شهروندان را مورد تعرض قرار داده و از طریق انعقاد این نوع معاملات و عدم پرداخت دیون طلبکاران، در حقیقت وثیقه عمومی آن‌ها را از بین برده و امنیت اقتصادی را برهم می‌زند. بنابراین این‌گونه معاملات که به قصد فرار از دین و به طور صوری واقع شده‌اند، محکوم به بطلان می‌باشند و در فرض عدم صوری بودن معامله نیز نظریات قابل دفاعی پیرامون عدم نفوذ و عدم قابلیت استناد این معاملات مطرح گردیده است. به نظر می‌رسد آگاهی از حقوق شهروندی که از حقوق بنیادین و اولیه انسان است و شفاف‌سازی بالاخص در خصوص این نوع معاملات که جرم بوده و در قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده، نه تنها موجب دستیابی بهتر افراد به حقوق خود می‌گردد، بلکه سبب می‌شود تا به حقوق دیگران نیز احترام گذاشته شود و مشارکت شهروندان در امور کشوری و شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسؤولیت‌پذیری بیشتری برخوردار گشته و مثمر ثمرتر باشد. اهتمام نسبت به رعایت حقوق شهروندی در حوزه اقتصادی ضامن سلامتی و کارایی این حوزه بوده و زمینه کاهش این معاملات را نیز در سطح جامعه فراهم می‌سازد.

References

1. Bojnourdi M, Mehrizi Sani M. Citizenship Rights from Imam Khomeini's point of view. *Matin Research Journal* 2013; 15(61): 1-24.
2. Ahmadi M, Porahmad A, Hataminezhad H. Analysis of the Impact of Citizenship Awareness in Accountability and Performance of Beautification Organization for Improving Urban Landscape. Case Study: Zone 6th of Tehran. *Geographic Space Magazine* 2014; 3(10): 1-22.
3. Pour Ezat AA, Gholipour A, Baghestani Barzaki H. The Relationship Between Citizens' Awareness of Citizenship Rights and the Responsibility and Transparency of Organizations. *Social Welfare Quarterly* 2010; 10(38): 7-40.
4. Aminzadeh M, Rezaei Davani M. Citizenship Rights of Investors in Securities Trading. *Islamic Financial Research Quarterly* 2019; 8(2): 277-306.
5. Yari H, HezarJaribi J. Regard to the Relationship of Security and Social Trust among Citizens (Case Study Citizenship of Kermanshah). *Journal of Strategic Studies of Iran* 1391; 1(4): 39-53.
6. Saeidikiyai M. The Role of Regulating the Official Transaction Document in the Moral and Social Health of Society. *Journal of Ethics in Science and Technology* 2018; 1(3): 16-19.
7. Safaei H. Introductory Course in Civil Law: General Rules of Contracts. Tehran: Mizan; 2018. Vol.2.
8. Taheri H. Civil Law 3 and 4. Tehran: Islamic Publication Office; 1996. Vol.2.
9. Jafari Langroodi MJ. Expanded in Terminology of Law. Tehran: Ganje Danesh Library; 1999. Vol.3 p.1716.
10. Ibn Manzour M. Lisan al-Arab. Beirut: Dar al-Fekr; 1993. Vol.10 p.52.
11. Farahidi KH. Al-Ain. Qom: Hijr Publishing; 1989. Vol.3 p.6.
12. Khazaei AR, Moradkhani A. Areas of Citizenship Rights in the Quran. *Quran and Hadith Research Letter* 2015; 17(1): 68-96.
13. Katouzian N. Introduction to Law science and study of Iran legal system. Tehran: Publication Stock Company; 2005.
14. Ahmadpour A. An Introduction to the Basics of Citizenship Rights in Islam. *Journal of Islamic Studies* 2008; 2(3): 120-142.
15. Fallahzade A. The Ratio of Citizenship Rights to Mankind Rights. *Magazin Legal Justice* 2007; 71(58): 47-64.
16. Enayati T, Arasteh HR, Zamani F, Nezafati Y. The Relationship between Citizenship Awareness and Social Behavior of Students. *Journal of Ethics in Science and Technology* 2012; 7(2): 1-10.
17. Esmaeilpour H, Shariat Bagheri MJ. Explore the concept and status of the right to liberty and security of person. *Legal Journal of Justice* 2014; 78(86): 7-33.
18. Mirarab M. Take a look at the Concept of Security. *Quarterly Journal of Political Science* 2000; 3(9): 133-142.
19. Available at: <http://www.j3shahrvandi.com>. Third Citizenship and Citizens' Personal Security Rights.
20. Seyf AM. The Concept of Economic Security. *Journal of Security* 2010; 3(9): 7-36.
21. Boroumand SH. Economic Security in Iran and Some Selected Countries. Tehran: Majlis Research Center; 2008. p.1-156.
22. Rahmani E, Moazeni S. The Position of Human Dignity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *The Strategic Development Review Magazine* 2017; 4(48): 25-38.
23. Toreihi F. Majma al-Bahrein. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1995. Vol.6.
24. Javan M. Basics of Law. Tehran: Color Printing; 1948. Vol.2.
25. Hosseini N. Dealing Aimed at Evading Debts. *Judicial Magazine* 2003; 7(37): 69-72.
26. Jafari Langroodi MJ. Terminology of Law. Tehran: Ganje Danesh Library; 1997.
27. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Prints; 1994. Vol.13 p.18640.
28. Shahidi M. Formation of Contracts and Obligations. Tehran: Majd; 1997. Vol.1.
29. Katouzian N. Legal Actions (Contract-Purchase). Tehran: Publication Stock Company; 2012.
30. Katouzian N. General Regulations of Contract. Tehran: Publication Stock Company Cooperated with Bahman Borna; 2006. Vol.2.
31. Naraghi A. Masharegh al-Ahkam. Qom: Congress of Naraqin; 2001.
32. Horr Ameli M. Wasael al-Shia ela Tahsil Masael al-Sharia. Qom: Al al-Beyt Institute; 1988. Vol.18 p.21.

33. Bojnourdi M. Dealing Aimed at Evading Debts. *Judicial and Law Journal of Justice* 1995; 4(13-14): 31-38.
34. Soltani SH, Sadat Barikani AR. Legal Arguments in Transactions intended to escape from debts. Tehran: Khorsandi; 2014.
35. Izadi fard AA, Kavyar H. Transactions Intended to Escape from Debts in Jurisprudence and law. *Journal of Islamic Jurisprudence and Foundations of Islamic Law* 2010; 7(22): 31-49.
36. Tabatabai Yazdi MK. Question and Answer. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 1994.
37. Khomeini R. Tahrir al-Wasileh. Qom: Dar al-Alam Press Institute; 2000.
38. Golpaygani MR. Hedayat al-Obad. Qom: Dar al-Quran al-Karim; 1992. Vol.2.
39. Esfahani A. Wasilat al-Nejat. Qom: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works; 2001.
40. Gharibe Khoonigh A. An Explanation and Critique on Amended Article 218 of Civil Low Approved in 1991. *Legal Journal of Justice* 1995; 2(5): 73-81.
41. Available at: <http://www.j3shahrvandi.com/2018/11/25>. Citizenship Rights in Islam.
42. Mazlum A. National Security and Security. *Hassoun Magazine* 2009; 22(19): 183-204.
43. Bojnourdi S. Al-Qawaed al-Fiqahiya. Tehran: Oroug Institiue; 1980. Vol.1 p.4.